

کتابی با مفاهیم ظاهر آیات

# قرآن مجید

به زبان فارسی

گردآورنده: بابا صفری

استکهلم – تابستان ۱۳۷۷

ISBN 91-87528-82\_7

کتابی با مفاهیم ظاهر آیات قرآن مجید به زبان فارسی

گردآورنده: بابا صفری

ناشر گردآورنده

تیراژ ۵۰۰ جلد

چاپ اول: تابستان ۱۳۷۷

چاپ و صحافی: چاپ آرش، استکهلم

حق طبع و نشر محفوظ و مخصوص گردآورنده است.

## بسم الله الرحمن و الرحيم

## مقدمه

خواننده گرامی! کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مفاهیم ظاهر آیات قرآن کریم، که برای مطالعه و استفاده متدینان و علاقمندان فارسی‌زبان، به زبان فارسی تقریباً ساده فراهم گشته است.

قرآن کریم، به عقیده مسلمانان جهان، آخرین کتاب آسمانی است که از طریق وحی بر محمد مصطفی ص نازل گشته است تا آن را به مردم ابلاغ فرماید. خود قرآن در آیات متعدد بر این نکته تأکید دارد و ابلاغ آن را به مردم منظور از برگزیده شدن پیامبر بر نبوت می‌داند و در جایی گوئی اتمام حجت می‌کند و خطاب به خود او می‌فرماید "آنچه را که از جانب خدا بر تو نازل شده ابلاغ کن و اگر چنین نکنی وظیفه رسالت خود را به جای نیاورده‌ای!"

طبیعی است که منظور قرآن از تأکیدها نه آن است که مامسلمانان مجدلاتی از این کتاب مقدس آسمانی را در خانه، در جیب، در "داشبورد ماشین"، بالای در خانه، درگاهی دگان و تجارتخانه بگذاریم و احکام و اهدافی را، که منظور نظر پروردگار عالم از فرستادن آن است در آنها خلاصه کنیم! نه! هرگز! قرآن کتاب است و حاوی مطالب، احکام، اوامر و نواهی است. برای خواندن و فهمیدن و عمل کردن است. هر فرد مسلمان باید از مراتب آن آگاه باشد و دستوره‌ای آن را از روی علم و اطلاع به کار بندد.

قرآن مجید در عربستان و به زبان مردم آن دیار نازل شده است ولی مختص به مردم آن مرز و بوم نیست. بلکه با عباراتی نظیر "یا ایها الناس" همه بشریت را مورد خطاب قرار می‌دهد. اما همه انسان‌ها زبان عربی نمی‌دانند و با تلاوت متن عربی قرآن، درک مفاهیم آیات الهی نتوانند! از این رو آنان که در جوامع اسلامی، در مسند هدایت و ارشاد و نیابت از مقام رسالت جای گرفته‌اند، و نیز دانشمندان و علاقمندان دیگر، آن را به زبان مردم جامعه خویش ترجمه نموده و می‌نمایند و امکان دسترسی همگان را بر آن فراهم ساخته و می‌سازند. هم‌اکنون ترجمه این کتاب آسمانی به اکثر زبان‌های جاری دنیا از جمله انگلیسی، آلمانی، فرانسه، ایتالیایی، روسی، هلندی، چینی، سوندی، بنگالی، سنسکریت، پشتو و ... در دسترس علاقمندان می‌باشد.

جای تأسف است با آن که این کتاب مقدس چهارده قرن است به کشور ما آمده، و اسلام دین پذیرفته شده جامعه ایران قرار گرفته با این حال در زمان حاضر از ۶۵ میلیون مسلمان ایرانی به زحمت می‌توان ۶۵۰ هزار نفر، یعنی از هر صد نفر یک نفر پیدا کرد که شخصاً با قرائت آیات مقدس قرآن به تواند به مفاهیم آنها پی‌ببرد و بدون احتیاج به مترجم، از مراتب آن استحضار یابد! چه بسیار کسانی پیدا می‌شوند که شصت سال نماز می‌خوانند و حداقل روزی ده بار دو سوره مبارکه فاتحه و توحید را تلاوت می‌کنند بدون آن که از معنی و مفهوم آن آگاه باشند! و آیا این امر با خواست قرآن و علت نزول آن همخوانی دارد؟! ... در جامعه اسلامی ایران کسان کم‌توجهی یافت می‌شوند که ترجمه قرآن را به زبان‌های دیگر منافی قداست آن می‌دانند! طبیعی است که چنین سخنانی با منطق قرآن و روح اسلام سازگاری ندارد زیرا جز این معنی نمی‌دهد که "لازم نیست مسلمانان غیر عرب‌زبان ایرانی بدانند خدای عالمیان در این کتاب چه فرموده همینقدر کافی است که آن را بیوسد و به عنوان ۱. آیه ۶۷ از سوره مائده.

تیمُن در جیب و دگان و ... بگذارد و بدین ترتیب مقدسش بدارد!" در صورتی که اکثر دانشمندان روشن‌بین مثل مرحوم علامه طباطبائی می‌گویند "جای سؤال است که اگر مسلمانی از مفهوم قرآن اطلاعی نداشته باشد می‌تواند ارزشی برای آن قائل شود؟!".

با همه این احوال باید یادآور شد که در گذشته‌های دور و نزدیک برخی از دانشمندان اسلامی قدم‌هایی برداشته و مبادرت به ترجمه قرآن نموده‌اند ولی بیشتر آنها از کثرت احتیاط، و ترس از این که مبدا ضمن ترجمه، از مفهوم واقعی آیه یا آیاتی به دور افتاده، ندانسته مرتکب نقض غرض و خطا گردند کلمات قرآن را تک تک معنی کرده زیر آنها نوشته‌اند. چیزی که یک خواننده فارسی زبان مشکل می‌تواند از به هم پیوستن آنها مفهومی از آیه به دست آورد!

در سنوات اخیر تنی چند از دانشمندان، که رحمت الهی بر همه آنها باد، پا از این دایره بیرون نهاده در ترجمه‌های خود، مفاهیم ظاهری آیات را به صورت جملات روشنی به رشته تحریر در آورده‌اند. این کار در خور کمال تمجید است ولی از آنجا که معانی با خود آیات همراه است عملاً بهره‌مندی کسانی را که فاقد طهارت لازم برای مس و استفاده از قرآن باشند متعذر می‌سازد. زیرا خود قرآن می‌فرماید "جز پاکیزگان بدان دست نزنند!".

در بین این کسان بیش از همه جوانانند که از یک سو کمتر می‌توانند واجد طهارت لازم باشند و از سوی دیگر آگاهی آنها از مفهوم و منطق قرآن ضرورت‌هایی را ایجاد می‌نماید. زیرا در زمان ما بر اثر اوضاع و احوال ناموزون اقتصادی و اجتماعی، امکان کسب یک تربیت صحیح معنوی در دامن پر مهر و عاطفه پدری و مادری نمی‌یابند، و نیز موجبات درک محضر مربیان فکری خدانشناس بر آنان فراهم نیست، و در مدارس نیز درباره تربیت صحیح آنها، در حد لازم دلسوزی به چشم نمی‌خورد! موجودات معصوم خودروئی هستند که در جهان در هم ریخته‌کنونی، سرگشته و حیرانند!

مطالب معروض می‌تواند تا حدی بازگو کننده مقصود نگارنده در فراهم آوردن این کتاب باشد و امیدواری دهد که از برکات کتاب مقدس الهی، این مجموعه در راه تحقق بخشیدن به خواست قرآن و آگاهی جامعه مسلمان فارسی زبان به اهداف "ما انزل الله" مورد استفاده قرار گیرد و رضا و خشنودی فرستنده والای قرآن و پیامبر ستوده او را قرین حال خوانندگان و نگارنده گرداند! آمین یا رب العالمین.

### آیا واقعاً جهان خدائی دارد و اگر دارد چیست و کیست؟

بعضی‌ها می‌پرسند که آیا واقعاً جهان خدائی دارد تا کتبی هم به نام قرآن یا تورات و انجیل فرستاده باشد؟ و اگر دارد چیست و کیست؟!.

این سؤال مختص دیروز و امروز نیست بلکه در طول تاریخ همواره چنین سؤالاتی مطرح بودن و ذهن انسان‌هایی را به‌خود مشغول داشته است. ولی خدانشناسان به‌پاسخگویی آنها برخاسته متناسب با رشد مغزی آنها جواب‌هایی داده‌اند. خدانشناسان را در اصطلاح فلسفی "متالین" یا "الهیون" می‌خوانند و به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- گروهی حکما و فلاسفه‌اند که با روش عقلی و استدلال‌های منطقی وجود خدا را اثبات می‌نمایند نظریات و نحوه استدلال‌های آنها در کتاب‌های مربوط به تاریخ فلسفه قابل ملاحظه است.

۲- دسته دوم عرفا و متصوفه‌اند که استدلال عقلی را برای رسیدن به خدا کافی نمی‌دانند

۱. آیه ۷۹ از سوره ۵۶ واقع.

و وصول به او را جز به طریق دل و از راه شهود و اشراق میسر نمی‌پندارند. سروده‌های مولانا جلال‌الدین مولوی در کتاب مثنوی بهترین نمونه طرز پندار و اندیشه آنان می‌باشد. ۳- گروه سوم منتشرعین‌اند که اکثریت الهیون را تشکیل می‌دهند و اعتقاد به یک کتاب آسمانی و پیروی از یک پیامبر مرسل را راه رسیدن به خدا می‌دانند و قرآن کریم (که کتاب حاضر ترجمه‌ای از آن است) کاملترین سند در این باره به شمار می‌آید.

اکثریت آنهایی که در مورد خدا تردید دارند و یا او را نفی و انکار می‌نمایند دلیل و مدرکی در این باره ندارند و غالباً هم به دنبال آن نیستند تا مدعی خود را بر دلیلی استوار سازند. ولی کسانی از آنها که صاحب منطق و اندیشه‌اند بزرگترین دلیلشان در این مورد این است که اگر خدا یا خالق جهان را جوهر مجرد بدانیم با جوهر مادی یعنی جهان و کائنات در تضاد خواهد بود و این سؤال را پیش خواهد آورد که چگونه ممکن است امری ضد خود را به وجود آورد؟!.

صرف‌نظر از دلایل حکمای متاله در ردّ این نظر، باید گفت که واقعیت غیر از این است و درک و توجه نشان می‌دهد حتی در محدوده عملکرد ما نیز هیچ چیز هستی نمی‌یابد مگر آن که پیدایش مسبوق به جوهر معنوی یعنی فکر و اندیشه باشد. کدام مهندسی است که قبل از آن که ساختمانی را در فکر و ذهنش به وجود آورد آن را در جهان مادی هستی بخشد و کدام مخترعی است بدون آن که ابداع و اختراع خود را در فکر و عقل خود طراحی کند در خارج ایجاد نماید؟!...

همه پیشرفت‌های علمی و "تکنولوژیکی" در جهان زاده عقل و اندیشه است. با این تفصیل قبول این که جهان مولود و مخلوع خالق مجردی باشد چه استبعاد منطقی خواهد داشت؟! به ویژه آن که به قول دانشمندان مکتب مادی خود ماده نیز فاقد حس و شعور و به اصطلاح آنها Inert می‌باشد.

جا دارد در این مورد دلیل روشن دیگری را بر این عرایض اضافه کنم و آن این که: ۱- همه ما قبول و اذعان داریم که بشر در نیمه دوم قرن حاضر از لحاظ علمی به پیشرفت‌های شایان توجهی دست یافته و در پاره‌ای از علوم به موفقیت‌های بزرگی نائل آمده است که یکی از آنها کیهان‌شناسی می‌باشد.

دانشمندان این رشته با دوربین‌ها و ابزار دقیقی که ساخته‌اند در اعماق فضای لایتناهی به مطالعه و بررسی پرداخته و می‌گویند در کهکشان‌ها که ما و منظومه شمسی جزء کوچکی از آن است، و در بین مردم به کهکشان راه شیری معروف است، بیش از یک میلیارد خورشید و میلیاردها ستاره وجود دارد. و اضافه می‌کنند تا آنجا که ابزارهای علمی آنها برد دارد وجود بیش از یک میلیارد از این کهکشان‌ها در جهان محقق گشته است. ما وقتی این اعداد و ارقام را جمع و ضرب کنیم به‌قول خود آنان "مغز ما آنها را می‌فهمد ولی درک نمی‌نماید". دورترین این کهکشان‌ها، که جدیداً دانشمندان متوجه آن گشته‌اند و به علامت اختصاری R.B.A نامگذاری نموده‌اند بازمین ما ۱۲/۲۲ میلیارد سال نوری فاصله دارد.

۲- تا ده سال پیش از تاریخی که این مجموعه به چاپ می‌رسد در جامعه بشری دو "بلوک" مهم سیاسی اقتصادی وجود داشت که یکی را به نام "بلوک شرق"، شوروی سابق و دیگری را به اسم "بلوک غرب"، آمریکا و بعضی کشورهای اروپای غربی در برابر هم ایجاد کرده اداره می‌نمودند. رقابت عظیمی بین آنها بود و هر طرف سعی داشت به هر طریق که باشد بر رقیب تفوق یابد و در جهان سیادت مطلق به دست آورد. از این‌رو هر یک از آنها در کشورهای قلمرو خود و جهان سوم، به سراغ اندیشمندان و دانشمندان

می‌رفتند و آنها را به هر طریق ممکن گردآورده برایشان همه‌گونه وسایل رفاه فراهم می‌ساختند تا با فراغت خاطر بنشینند و در راه کشف و اختراع تازه‌های علمی بی‌اندیشند. از کارهای بسیار مهمی که آنها در هر دو طرف انجام دادند و می‌دهند این بود و هست که گوی‌هایی به وزن چند صد کیلوگرم تا چند تن بسازند و آنها را از جو زمین گذرانیده به نام ماهواره در مداری در اطراف زمین بگردانند و یا انسانی را در سطح ماه پیاده نمایند. که الحق در تاریخ حیات بشر کار بزرگ و محیرالعقولی می‌باشد.

جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست که این موفقیت محصول کار آن عده انسان‌های عاقل و باشعوری است که از بین بیش از پنج میلیارد انسان موجود در جهان انتخاب شده بودند. و چون آنها در این برنامه‌ها از علم و دانش میلیاردها انسان دیگر نیز، که پیش از ما بوده و یافته‌های عقلی خود را به یادگار گذاشته‌اند، بهره‌مند بودند و در واقع آن ماهواره‌ها حاصل چکیده عقول میلیاردها انسان‌هایی شد که در روی زمین بوده‌اند و هستند.

وقتی این موضوع را با هم در نظر می‌آوریم این سؤال برای ما پیش می‌آید که اگر برای ساختن ماهواره‌ای به وزن یک، دو، ده، بیست و ... تن و قرار دادن و گرداندن آن در مداری در پانصد و هزار و ... کیلومتری بالای زمین، عقلی به قدر چکیده عقول میلیاردها انسان لازم باشد آیا برای ایجاد میلیاردها کهکشان و ثوابت و سیارات و گرداندن آنها در مدار مخصوص هر یک هیچ عقل و شعوری لازم نبوده است؟!.

چه جوابی جز تصدیق می‌توان بدین سؤال داد؟!.

منشاء این عقل و این توان، که ذات و صفاتش عین همنند، همان است که در لسان عامه خدا نامیده می‌شود. او مجرد است و یگانه، ماهیتش معلوم نیست، جا و مکانی ندارد و چنان که دانشمندترین مسلمانان جهان (غیر از خود پیامبر) در نهج البلاغه می‌فرماید "مع کل شیئی لا بمقارنه و دون کل شیئی لا بمفارقة" یعنی با تمام اشیاء و ذرات عالم است بدون آن که قرین آنها باشد و سوای همه اشیاء و ذرات عالم است بدون آن که از آنها جدا باشد.

## اما قرآن

باری یکی از خصوصیات خلقت نظم و نظام در کلیه امور و ذات عالم است و این نظم و نظام از گردش الکترون‌ها و "پروتون‌ها" در داخل "اتم‌ها" گرفته تا حرکت و گردش آن همه افلاک و کرات آسمانی در مدارات خاص خود آن قدر ظریف و دقیق است که، همسنگ شگفتی خود کائنات، آدمی را به تعجب و حیرت وامی‌دارد و نشان می‌دهد که عدم اطاعت از نظام مقرر مغایر با برنامه کلی جهان و بالمآل متافی با رضا و خواست موجد والای آن می‌باشد.

موجودات زنده در روی زمین نیز اجزای این جهانند و نظامی که لازمه امرار حیات آنها است به صورت غریزه در نهاد آنها نهاده شده است. به موقع می‌خورند. به موقع می‌خوابند. دستگاه‌های داخلی بدنشان به طور منظم و وظایف خود را انجام می‌دهند. به حقوق همدیگر، جز در حدی که خود نظام لازم دانسته، تجاوز نمی‌کنند و ...

در بین آنها فقط انسان است که به سبب هوش و استعدادش در موقعیت خاصی قرار دارد و نفس‌آماره و کثرت امیالش هرآینه به تعدی و تجاوز به حدود و حقوق دیگران ترغیبش می‌نماید. نظام آفرین جهان لازم دیده است نیک و بد را به انسان‌ها بنماید. حدود و حقوق آنها را مشخص دارد. مرزهای تعدی و تجاوز را روشن گرداند. و وظائف و تکالیفشان را نسبت به خودشان، و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و نیز نسبت به خالقشان مشخص

فرماید. و بالاخره با ارسال کتابی به وسیله یکی از خود آنان، آنها را راه نماید و بر کسانی که اطاعت اوامر نمایند پاداش‌های نیکو وعده دهد و آتهائی را که در صدد سرپیچی برآیند از کیفرهای سخت اعمال ناصوابشان برحذر دارد... و چنان که خود قرآن در موارد عدیده می‌فرماید این است علت نزول قرآن و فلسفه ارسال رسل.

\*\*\*

باری لازم است قبل از مطالعه متن کتاب توجه خوانندگان گرامی را به نکات زیر جلب نمود:

۱- کلمات و عبارات هر زبان بار معنوی خاصی دارد که در کنار هم حال و احوال خاصی را در اهل آن زبان به وجود می‌آورد و وقتی آنها را به زبان دیگری ترجمه کنند آن بار و آن روح از دست می‌رود و کلمات خشک دیگری، بدون آن روح و احوال جانشین آنها می‌شود. این مطلب حتی از لحاظ ادبی، در داخل یک زبان هم به چشم می‌خورد. مثلاً در همین زبان فارسی، اگر بخواهیم عبارت "منت خدای را عزّ و جلّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت..." را به زبان ساده‌تری ترجمه کنیم "لا بد می‌گوئیم "سپاس بر خدائی باد که نیرومند و صاحب جلال است و فرمانبرداری او سبب نزدیکی بدوست و سپاسگزاریش موجب افزایش نعمت می‌شود..." و آدمی هر چند بار این جملات و کلمات را در هم بریزد و عبارات گوناگونی در ترجمه آن عبارت ترتیب دهد حلاوت و بار گفته سعدی را به دست نمی‌دهد! بر این سیاق اگر دانشمندترین ادبای زبان فارسی، همه دانسته‌های خود را به کار گیرند که بار ادبی و معنویتی را که آیات قرآن دارد، با لزوم حفظ معانی و مفاهیمش، در ترجمه آنها ملحوظ دارند هرگز نتوانند!

این بیان مقدمه‌ای است برای درخواست این پوزش که نگارنده کوشیدم جملات بهتر و رساتری در ترجمه آیات بیابم اما به لحاظ فوق، و نیز از آن جا که قرآن یک کتاب ساده داستانی و یا نوشته ادبی معمولی نیست تا مفهوم عبارت آن، به طور دلخواه در قالب‌های فارسی ریخته شود، نتوانستم! لاجرم از ترجمه‌های دانشمندان، آن چه را که نزدیکتر به عبارت قرآن یافتم، با دریافت‌های خود در هم آمیخته در این مجموعه منظور داشتم. و امیدوارم با همه نارسائی خوانندگان گرامی را به مفاهیم عالی قرآن آگاه و آشنا سازد!

۲- قرآن، با آن که اکثر آیاتش به زبان ساده بیان گشته، از حیث فصاحت و بلاغت در زبان عربی بی‌نظیر می‌باشد و از این رو آن را معجزه پیامبر اسلام می‌دانند. زیرا معجزه از کلمه عجز به معنی ناتوانی است و در منطق دینی مراد از آن اموری است خدائی، که دیگران از آوردن همانند آن ناتوانند. و تاریخ نشان می‌دهد که از زمان پیدایش اسلام تا کنون کسی پیدا نشده است که مانند آن سوره‌ای بیاورد. خود قرآن در آیات متعدد این موضوع را پیش می‌کشد و می‌گوید شما که این کتاب آسمانی را ساخته خود محمدص یا تعلیم دیگران بر او می‌دانید یک سوره نظیر آن بیاورید و هر کس را هم که خواهید به کمک خود فرا خوانید ولی نمی‌توانید.

۳- همان طور که گفتیم قرآن صرفاً یک کتاب داستانی، تاریخی، ادبی... نیست که مطالب آن را بدون دقت و توجه بتوان دریافت. این کتاب قانون اساسی اسلام است و بیشتر جملات و حتی کلمات آن حاوی ملاحظات، اوامر، نواهی، خطابات، بشارت‌ها و نذیرات است و مثل هر کتاب قانون عبارات آن، به ویژه در مورد احکام، تا حدی موجز و خشک به نظر می‌رسد و لذا باید در هر جمله‌ای از آن تأمل نمود و در صورت لزوم، در زمینه تبیین و توجیه مفاهیم آنها، از کتاب‌های تفسیری یاری گرفت. جای تأسف است که در این

مجموعه، برای احتراز از حجم زیاد آن، از آوردن زیرنویس‌های زیاد خودداری گردید و جز آن هم چاره نبود!

۴- از قرآن نباید انتظار داشت که، به مانند کتاب‌های علمی و در حد آنها، حاوی مباحث ریاضی، کیهان‌شناسی، فیزیک، شیمی و علوم دیگر، به مفهوم خاص آنها باشد. زیرا مطالب آن در مجموع متوجه اخلاقیات، نظام و امنیت اجتماعی، و بالاخره انسان‌سازی است و خود پیامبر نیز فرموده است "من برای کامل کردن نیکی‌های اخلاقی برگزیده شده‌ام" و این که قرآن فرموده "خشک و تری نیست که در کتاب نباشد" به نظر مفسران مراد از آن کتاب، چنان که خود قرآن هم اشاره دارد، کتاب کلی آفرینش است که به نام "ام‌الکتاب" و "لوح محفوظ" نزد خود پروردگار عالمیان است و قرآن مجید نیز بخشی از آن به حساب می‌آید.

با این حال گاهی به مناسبت‌هایی اشارات مجملی به برخی از مسائل خلقت جهان و انسان می‌نماید که هر چه دامنه دانش بشری توسعه می‌یابد تفسیر آنها روشنتر می‌گردد مثل خلقت انسان از یک قطره منی و توجیه مراحل تکامل بعدی آن، که بعد از چهارده قرن، یافته‌های علمی امروزی در انطباق با آن به حساب می‌آید. یا خلقت عالم، آن چنان که در جهان دانش کنونی به عنوان آخرین نظریه علمی مورد توجه است هرآینه در قرآن نیز اشارات مجملی در آن مورد دیده می‌شود که شایسته تأمل می‌باشد. بدین سان که:

دانشمندان کیهان‌شناس در آخرین نظریه‌های علمی خود درباره پیدایش کائنات چنین می‌گویند که کل آن چه جهان نامیده می‌شود در آغاز با هم و در هم واحدی را تشکیل می‌دهد که آنها آن را "اتم اولیه" نام داده‌اند. در زمانی، که می‌پندارند بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد سال پیش باشد، انفجاری در آن اتم صورت گرفته و اجزا و ذرات آن پراکنده گردیده است. آنگاه این ذرات در قسمت‌هایی با هم گردآمده کرات و کهکشان‌ها را به وجود آورده‌اند. در طول زمان در برخی از آن کرات تبدلاتی صورت گرفته و مثلاً قسمت‌هایی از خورشید جدا گشته و سیارات دور آن وجود مستقل یافته‌اند که یکی از آنها زمین می‌باشد. این مراحل، یعنی از انفجار اتم اولیه تا پیدایش زمین شش دوره گذرانیده و به عقیده همین دانشمندان هستی این کائنات ابدی نیست و پس از مدت معینی، یعنی هنگامی که نیروی حاصل از انفجار اولیه پایان یابد باز تمام این کرات و کهکشان‌ها به هم گرد می‌آیند و به شکل نخستین بازمی‌گردند.

قرآن در آیه ۲۰ از سوره ۲۱ انبیا می‌فرماید "مگر این کافران نمی‌دانند که آسمان‌ها و زمین به هم بسته بود ما آنها را باز کردیم". و در آیه ۵۴ از سوره ۷ اعراف و آیات دیگر می‌فرماید "پروردگار شما خدائی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (یا مرحله) آفرید". و درباره عمر معین کائنات در آیه ۲ از سوره ۴۶ احقاف می‌گوید "ما آسمان‌ها و زمین و آن چه را که میان آنها است جز به حق، برای مدت معینی نیافریدیم". و نهایتاً در باب این که همه کائنات سرانجام به حالت آغازین خود برمی‌گردند در آیه ۴۰ از سوره ۲۱ انبیا می‌فرماید "ما آن روز آسمان را در هم می‌پیچیم همانند پیچیدن طومار نوشته‌ها و آن را بدان سان که در اول خلقت آغاز کردیم بازمی‌گردانیم!"<sup>۱</sup>

۱. در قدیم هر صفحه از نامه‌ها را، از طرف سر به ذیل صفحه قبل می‌چسباندند که به صورت ورقه طویلی در می‌آمد و وقتی تمام می‌شد از طرف پائین لوله می‌کردند و آن را طومار می‌گفتند. در موقع خواندن از سر ورقه شروع کرده آن را باز می‌نمودند و وقتی به پایان می‌رسید باز از پائین آن را می‌پیچیدند و به صورت لوله درمی‌آوردند.

۵- قرآن مجید به یک بار بر پیامبر نازل نشده بلکه در مدت بیست و سه سال، که از روز بعثت تا رحلت آن حضرت طول کشیده، صورت گرفته است.<sup>۱</sup> آن هم غالباً به مناسبت‌هایی که پیش آمده و هدایت و راهنمایی قرآن لازم گشته است. مثلاً وقتی امام جماعتی که شرب خمر کرده بود به نماز ایستاد آیات را صحیح قرائت نمود و آیه ۴۲ سوره ۴ نساء نازل شد که "در حال مستی به نماز نزدیک نشوید". یا مردی همسر خود را ظهار کرده بود<sup>۲</sup> و آن زن از روی استیصال پیش پیامبر به شکایت آمد. با نزول آیات اولیه سوره ۳۶ مجادله آن سنت منحوس دوران جاهلیت یعنی ظهار ملغی گردید. یا چون در زمان جاهلیت مردان موجب آزار زنان دیگر می‌شدند آیه ۵۰ سوره ۳۳ احزاب فرمود "ای پیامبر به زنان و دختران مؤمن بگو برای این که از دیگران شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند این (به مصلحت) نزدیکتر است که چادرهای خود را بر خود فروبپچند"

و ...

قرآن در مورد نزول تدریجی آیات می‌فرماید "ما قرآن را جزء به جزء بر تو فرستادیم که آن را با تائی بر مردم بخوانی". و در جای دیگر می‌گوید "کافران گویند چرا قرآن جملگی به یک بار نازل نشده است؟! چنین شد. که دل تو را بدان استواری دهیم و آن را به ترتیب روشنی مرتب داشتیم"<sup>۳</sup>. نزول تدریجی و مناسبت‌های مذکور سبب شده است که مکررات زیادی در قرآن به چشم بخورد و نیز همه آیات یک سوره درباره یک موضوع و در رابطه تسلسل با هم نباشد. و لذا وقتی آدمی قسمتی از آیات یک سوره را می‌خواند مطلب را قطع شده می‌یابد و آیات بعدی را در رابطه با موضوع دیگری ملاحظه می‌کند. یا در یک آیه مثلاً فعلی را مفرد و دیگری را جمع می‌بیند و برعکس. لازم به یادآوری است که ترتیب آیات سوره‌ها از خود پیامبر است و هیچگونه تغییر و تبدیلی در این باب صورت نگرفته است.

۶- گفتیم که آیات قرآن در بیست و سه سال، دوران زندگی بعد از بعثت پیامبر، نازل شده است. سیزده سال از این دوران حضرت محمدص در مکه اقامت داشت و ده سال آخر را در مدینه گذراند و لذا قسمتی از قرآن در مکه نازل شده و قسمت دیگر در مدینه که اولی را سوره‌های مکی و دومی را سوره‌های مدنی می‌گویند.

وقتی سوره‌های مکی با سوره‌های مدنی مقایسه شود تفاوت‌هایی در آنها به نظر می‌رسد که معلول شرایط محیط و موقعیت مسلمانان در آن دو شهر می‌باشد. در مکه تعداد مسلمین انگشت‌شمار بود و به طوری که نوشته‌اند بعد از سیزده سال دعوت هنوز به یک صد نفر نمی‌رسید و تردید نیست که این عده قلیل در رابطه خود با مردم شهری مثل مکه، نمی‌توانست دارای قوانین و مقررات جداگانه و قابل اجرا باشد. از این رو آیات مکی بیشتر در زمینه اصول سه گانه "توحید"، "نبوت" و "معاد" و خودسازی فرد مسلمان و رابطه‌اش با پروردگار عالمیان و فرا گرفتن اصول اخلاقی و زندگی اجتماعی بود. اما وقتی حضرت رسول ع به مدینه آمد و با اسلام آوردن طوایف "اوس" و "خزرج" اکثریت جامعه یثرب با مسلمانان شد طبعاً قوانین خاصی را طلب می‌نمود. از اینرو آیات مدنی بیشتر متوجه این

۱. از پیامبر روایت شده که فرمود دو سوره ۹ توبه و ۱۱۲ اخلاص یک جا نازل شده است.

۲. رسم جاهلیت بود که وقتی مردی با زنتش اختلاف پیدا می‌کرد می‌گفت که پشت‌تو بر من مثل پشت‌مادرم می‌باشد و بدین ترتیب همبستر شدن با وی را بر خود حرام می‌نمود. زن جوانی که موجب ظهار شوهرش قرار گرفته بود شکایت پیش رسول برد و متعاقب آن آیاتی رسید که فرمود زن آدمی مادر او نمی‌شود. مادر آدمی کسی است که او را زاینده است و بدین سان آن رسم دوران جاهلیت منسوخ گشت.

۳. آیه ۱۰۶ از سوره ۱۷ بنی اسرائیل. و آیه ۳۲ از سوره ۲۵ فرقان.



قبیل مسائل گردید و مبانی حقوقی و قضائی اسلامی پی‌ریزی شد. و چون یهودیان آن شهر، به رغم قرارداد همزیستی مسالمت‌آمیز، به نام قرارداد "موادعه" که در ابتدای ورود پیامبر با او منعقد نموده بودند، با مشرکان فریض به تبنانی پرداختند، که آنها از خارج و اینها از داخل مسلمانان را بین دو تیغ قرار داده از بین ببرند، آیات جهاد نیز بر آنها افزوده شد و به مخالفان اسلام، لااقل در زمان ما، بهانه داد تا با پرده‌پوشی حقایق، بر محمد مصطفی‌ص ایراد بگیرند و بگویند "محمد پس از ورود به مدینه تغییر ناگهانی در وجودش پدیدار گشت و آیات قرآن این بار شکا امر و نهی، آن هم در باب قتل و کشتن به خود گرفت".<sup>۱</sup>

۷- مفسران، آیات قرآن را به طور کلی، از حیث محتوی بر سه بخش می‌دانند. قسمتی ذکر توحید و صفات عین ذات حضرت حق تعالی است. بخش دیگر اوامر و نواهی است که از حقوق و تکالیف شرع سخن می‌گوید و قسمت دیگر قصص انبیا و فنون و مواظ می‌باشد. نباید تصور نمود که صفحات یا آیات قرآن از این حیث مشخص و فصل‌بندی شده بلکه با ملاحظه همه آیات، این برداشت کلی حاصل آمده است.

۸- برادر و خواهر مسلمان! وقتی شما قرآن را با نهایت دقت مرور کنید و آیات و مطالب گوناگون آن را از نظر بگذرانید و بخواهید چکیده‌ای از آن را به دست آورید بیش از همه به دو موضوع مهم و اساسی می‌رسید. یکی این که خدای یکتا، آفریدگار کائنات و جهان است، جز او معبودی نیست. او را بپرستید و شریکی بر او قرار ندهید و به دستور او و پیامبری که به حق فرستاده عمل نمائید. دیگر آن که به همدیگر نیکی کنید و حقوق انسان‌ها را ملحوظ دارید. خدای متعال نیکی و احسان را بسیار دوست دارد و در قرآن کریم همه جا خود را دوست‌دار نیکوکاران معرفی می‌نماید. تا آنجا که پاداش عبادت به خویشتن را همانند آن، ولی جزای نیکی به خلق را ده برابر اعلام می‌دارد.

عمل به تکالیف یا سرپیچی از آن، در قوانین موضوعه بشری هم همواره با ضمانت اجراهایی توأم است. قرآن مجید این ضمانت اجراها را در مورد نیکی و احسان سعادت در دنیا و بهشت در آخرت، و بالاتر از آنها رضا و خشنودی خدا می‌داند، و کیفر زشتی‌ها و بدی‌ها را عذاب در این جهان و دوزخ در آخرت، و بدتر از آنها نفرت و ناخشنودی الهی می‌شمارد! بر این مبنا می‌توان گفت که بهشت و دوزخ را ما خود برای خویشتن فراهم می‌کنیم و در این صورت چرا نباید در راه خیر بکوشیم و از شر و بدی دوری نماییم. همت کنیم و از خدا یاری بخواهیم که با ایمان بدو، در راه نیکوئی‌ها قدم برداریم.

۹- نگارنده قبول دارم که این مجموعه می‌تواند علاوه بر نقائص چاپی دارای نقائصی از لحاظ محتوی، به ویژه در زمینه متشابهات قرآن، باشد ولی این را یقین می‌دانیم که دانشمندان خدانشناس اسلامی، با قبول لزوم چنین کتابی برای آگاهی مسلمانان فارسی‌زبان از مفاهیم آیات الهی، لله و قربة الی‌الله به رفع آن نقائص برمی‌خیزند و با اصلاحات لازم آن چه را که فراهم آمده است کاملتر و گویاتر می‌سازند. خدا داناست که من با خلوص عقیده سال‌ها در تهیه این کتاب کوشیده‌ام تا در حد اعلائی امکان خویش آن را در چهارچوب منطوق قرآن کریم گردآورم. اگر ایراد و نقائصی باشد بر توانائی من است نه بر قرآن یا بر عقیده و ایمان من.

قرآن انتظار ندارد که کسانی با پیروی از برخی مکاتب فلسفی در صدد ایرادگیری از آن بر نیایند، و سخنانی را که در طول قرن‌ها کسانی، دانشمندتر از این‌ها تکرار کرده ولی بر اثر حقانیت و منطق مستدل قرآن ره به جانی نبرده‌اند، بر زبان نیاورند ولی من از آنها

۱. کتاب ۲۳ سال. نوشته آقای علی دشتی. فصل دوم از گفتار سوم. شخصیت تازه محمدص.

انتظار دارم که برای ایرادگیری تنها این ترجمه را ملاک قرار ندهند بلکه هر جمله و مطلبی را، که به زعم خود قابل ایراد یافتند در آن باره به کتب تفسیر مراجعه فرمایند و با اطلاع کامل از موضوع، و صداقت و انصاف ایراد خود را بر زبان و قلم آورند.

۱۰- مأخذ تنظیم این مجموعه:

الف- ترجمه دانشمند اسلامی مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای.  
(از روی چاپ سوم قرآنی که بر طبق اجازه مورخ ۳ بهمن ۱۳۶۸ شورای نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم. از طرف انتشارات صالحی در مطبعه سپهر تهران چاپ شده است).

ب- ترجمه شادروان زین‌العابدین رهنما.  
(در چهار جلد که در سنوات ۵۴-۱۳۴۷ با هزینه سازمان اوقاف در چاپخانه روزنامه کیهان چاپ شده است).

ج- ترجمه حجت‌الاسلام مرحوم حاج شیخ رضا سراج.  
(از روی قرآنی که از طرف شرکت سهامی طبع کتاب تهران چاپ شده است).

د- ترجمه آقای محمدکاظم معزی.  
(از روی قرآنی که حاج سیدمحمود کتابچی در سال ۱۳۷۵ قمری در تهران به چاپ رسانیده است).

ه- ترجمه شادروان ابوالقاسم پاینده.  
(از روی نسخه عکسبرداری شده بسیار ریز موجود در کتابخانه "رینکی" شهر استکهلم، که فاقد تاریخ و محل چاپ است ولی مرحوم پاینده در پایان مقدمه اعجاب‌انگیز سی و نه صفحه آن نوروز ۱۳۳۶ را در تهران تاریخ گذاشته است).

باید یادآور شد که چهار ترجمه اول همراه با اصل آیات قرآن کریم و در زیر یا کنار آنها به چاپ رسیده است ولی ترجمه مرحوم پاینده به صورت کتاب مستقلی منتشر شده و یک نسخه عکسی از آن، که بسیار ریز و خواندن آن مشکل است در کتابخانه مرکزی استکهلم (سوئد) شعبه "رینکی" تحت شماره ۱-۵۱۰۴-۱۱-H نگهداری می‌شود.

روش کار در تهیه این کتاب چنین بود که من آیات قرآن را به دقت می‌خواندم و با غور در مفهوم‌های دریافتی آنها را با نوشته‌های هر پنج مأخذ فوق می‌سنجیدم و وقتی از توافق دریافتی خود و آنها اطمینان می‌یافتم نزدیکترین و ساده‌ترین عبارات را برمی‌گزیدم. با این بیان می‌توان گفت که پنج دانشمند اسلامی نگارنده را در تنظیم این مجموعه یاری داده‌اند که رحمت الهی بر آنها باد. از خدای بزرگ مسئلت دارم مطالب تهیه شده را با روح آیات یکسان و برای مؤمنان و علاقمندان قابل استفاده فرماید. به منه تعالی و کرمه.

استکهلم - اردیبهشت ۱۳۷۷

بابا صفری

## فهرست مندرجات

صفحه	صفحه
۱۳۶	۱- سورة فاتحه
۱۳۸	۲- بقره
۱۴۰	۳- آل عمران
۱۴۲	۴- نساء
۱۴۴	۵- مائده
۱۴۷	۶- انعام
۱۵۰	۷- اعراف
۱۵۲	۸- انفال
۱۵۴	۹- توبه
۱۵۶	۱۰- يونس
۱۵۷	۱۱- هود
۱۵۸	۱۲- يوسف
۱۶۰	۱۳- رعد
۱۶۲	۱۴- ابراهيم
۱۶۴	۱۵- حجر
۱۶۵	۱۶- نحل
۱۶۶	۱۷- اسراء
۱۶۷	۱۸- كهف
۱۶۸	۱۹- مريم
۱۶۹	۲۰- طه
۱۷۰	۲۱- انبيا
۱۷۱	۲۲- حج
۱۷۲	۲۳- مؤمنون
۱۷۴	۲۴- نور
۱۷۵	۲۵- فرقان
۱۷۷	۲۶- شعرا
۱۷۸	۲۷- نمل
۱۷۹	۲۸- قصص
۱۸۰	۲۹- عنكبوت
۱۸۱	۳۰- روم
۱۸۲	۳۱- لقمان
۱۸۳	۳۲- سجده
۱۸۴	۳۳- احزاب
۱۸۵	۳۴- سبأ

۲۲۵	۱۰۸- کوثر	۱۸۶	۶۹- الحاقه
۲۲۶	۱۰۹- کافرون	۱۸۷	۷۰- معراج
۲۲۷	۱۱۰- نصر	۱۸۸	۷۱- نوح
۲۲۸	۱۱۱- مسد	۱۸۹	۷۲- جن
۲۲۹	۱۱۲- اخلاص	۱۹۰	۷۳- مزمل
۲۳۰	۱۱۳- فلق	۱۹۱	۷۴- مدثر
۲۳۱	۱۱۴- ناس	۱۹۲	۷۵- قیامت
		۱۹۳	۷۶- دهر
		۱۹۴	۷۷- مرسلات
		۱۹۵	۷۸- نباء
		۱۹۶	۷۹- نازعات
		۱۹۷	۸۰- عبس
		۱۹۸	۸۱- تکویر
		۱۹۹	۸۲- انفطار
		۲۰۰	۸۳- تطفیف
		۲۰۱	۸۴- انشقاق
		۲۰۲	۸۵- بروج
		۲۰۳	۸۶- طارق
		۲۰۴	۸۷- اعلی
		۲۰۵	۸۸- غاشیه
		۲۰۶	۸۹- فجر
		۲۰۷	۹۰- بلد
		۲۰۸	۹۱- شمس
		۲۰۹	۹۲- لیل
		۲۱۰	۹۳- الضحی
		۲۱۱	۹۴- انشراح
		۲۱۲	۹۵- التین
		۲۱۳	۹۶- علق
		۲۱۴	۹۷- قدر
		۲۱۵	۹۸- بینه
		۲۱۶	۹۹- زلزال
		۲۱۷	۱۰۰- عادیات
		۲۱۸	۱۰۱- قارعه
		۲۱۹	۱۰۲- تکاثر
		۲۲۰	۱۰۳- عصر
		۲۲۱	۱۰۴- همزه
		۲۲۲	۱۰۵- فیل
		۲۲۳	۱۰۶- قریش
		۲۲۴	۱۰۷- ماعون